

نغمه نور

ترجمه نغمه داغی

صدر عباسی (باریشاز)

(ترکی - فارسی)

مقدمه: دکتر ممد علی جبری

برگردان: علیرضا اقبالی خواجه‌زهی

خط: صدرا کفیل



سرشناسه: عباسی، حیدر، ۱۳۲۲

عنوان قراردادی: نغمه داغی، فارسی-ترکی

عنوان و نام پدیدآور: نغمه نور / ترجمه کتاب نغمه داغی، حیدر عباسی (باریشماز)؛ مقدمه مهدی اکبری / برگردان: علیرضا اقبالی قهبازی؛ به خط صدرا کفیل

مشخصات نشر: مراغه: مکتب آستوند۱۳۹۵، (۰۹۳۲۶۱۴۲۴۰) TL؛ مشخصات ظاهری: ۱۷۴ ص/رقعی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۷۵-۳۹-۱ ۱۰۰۰۰۰ ریال. وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: ترکی - فارسی.

موضوع: شعر ترکی آذربایجانی - ایران - قرن ۱۴ - ترجمه شده به فارسی

موضوع: Turkish poetry-Iran-20th century-Translation into Persian

موضوع: شعر ترکی - ایران - قرن ۱۴ Turkish Poetry- Iran- 20th Century

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴ - ترجمه شده از ترکی Persian poetry-20th century-Translations From Turkish

شناسه افزوده: اکبری، ۱۳۵۰ اردیبهشت - مقدمه نویس

شناسه افزوده: اقبالی قهبازی، ایرضا، ۱۳۶۱ - مترجم.

شناسه افزوده: کفیل، صدرا، ۱۳۶۶ - خوشنویس

رده‌بندی کنگره: ۸۷۲/ع ۳۱۰/۱ رده‌بندی دیوینی: ۸۹۴/۳۶۱۱ شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۱۷۸۲۰



نغمه نور

ترجمه «نغمه نور» به سرانستاد حیدر عباسی

مترجم: علیرضا اقبالی قهبازی

مقدمه: دکتر مهدی اکبری

خوشنویس: صدرا کفیل

طراح جلد: صدیقه جهادی ناگ

ویراستار و صفحه‌آرا: ژنلادرخشان فرد

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافه: پیشگام (TL: ۰۳۶۳۴۴۶۰۷۳۷)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۷۵-۳۹-۱

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

هرکز پخش: مراغه / فرهنگسرای سرو / ۰۴۱۳۷۲۴۹۹۴۳ / ۰۹۳۲۶۱۴۲۴۰

فهرست مطالب

۸	دریارة ترجمه
۲۰	مقدمه
۱۲	متن و ترجمه
۱۶۴	پیوست‌ها
۱۷۲	تایید و تأیید

www.ketab.ir

درباره ترجمه

«یا حبیب»

ترجمه کتاب «نغمه داغی» استاد باریشماز کاری سخت و بس سنگین بود که شاید بی عنایت حضرت حق و البته بدون دستور بزرگی، هیچگاه صورت نمی گرفت و به دست تحریر در نمی آمد.

اما درباره ترجمه این اثر:

آنچه درست است باید ترجمه‌ای است از منظومه گرانقدر نغمه داغی استاد باریشماز، منطبق بر سبک و سلیقه‌ای که مملو است از لغات، کنایات و ضرب‌المثل‌های به واقع ترجمه نشدنی سره ترکی آذربایجانی که قدرت قلم و زبان، صلابت فکر و اندیشه نویسنده اثر و در مقابل سبک و مشکلات و در گاهی موارد نیز غیرممکن بودن کار ترجمه را نمایان می کند. نهایت سعی بر آن شده است که حداکثر وفاداری به متن اصلی حفظ شود و منتقل به آن شد که در هیچ جا معنا فدای زیبایی‌های هنری نشد، ازین رو ترجیح داده شد تا حد امکان امانت‌داری تک تک کلیدواژه‌های باریشماز حفظ گردد تا خواننده اثر در دست تری از معنا و اندیشه اثر به دست آورد.

اما هدف از ترجمه این اثر و دیگر آثار استاد، نه این است که خواننده عزیز احساس کند که با خواندن متن نسبتاً ساده و روان فارسی توانسته و با توانسته است با قلم و اندیشه باریشماز و گنجینه فولکلور ادبیات آذری و زبان قوی و بنیادین ترکی آذربایجانی آشنا و مأنوس شود. به عقیده این حقیر ترجمه این آثار گرانشنگ باید مقدمه‌ای باشد هر چند مختصر و قدمی باشد هر چند کوچک برای آشنایی، دستیابی، خواندن و غور و تفحص در آثار باریشماز به زبان اصلی نویسنده و کتب ایشان؛ یعنی زبان شیرین، قوی و کلاسیک ترکی آذربایجانی، چرا که

بهترین و کامل‌ترین روش برای شناخت اندیشه نویسنده و پیمودن همه‌جانبه اثر، رجوع به زبان اصلی و مرجع آن اثر است.

بر این باورم که این کار کوچک بتواند خوانندگان حقیقی و راستین آثار استاد باریشماز را به این مهم رهنمون باشد.

امیدوارم که حضرت استاد و نیز خوانندگان محترم، کاستی‌های کار را به دیده عطف خویش بر این حقیر ببخشند.

جا دارد که از برادر بزرگوارم استاد شهرام اورنگ «کامچی» کمال قدردانی را به جا آورم چرا که ر برگردان این اثر از ترجمه ایشان که سال‌ها پیش قلمی شده بود، بسیار بهره‌مند شدم.

علیرضا اقبالی

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

نغمه نور

در نگاهی ژرف به تمامی اسطوره‌های جهان، جدال و مبارزه خیر و شر به وضوح دیده می‌شود. همه اسطوره‌ها یک رسالت بزرگ و جهانی را در خود و با خود دارند. این عبارت است از نور و ظلمت. وقتی ظلمت و تاریکی - که از هر نوع باشد - جهان را هر آنقدر در اوست را احاطه می‌کند و تمام امیدها از بین می‌روند و یأس و ناامیدی در آن سرایت می‌کند، جهل را می‌گستراند، تنها یک صدا، یک جرقه و شاید یک نگاه همه بغض‌های در گلو مانده را به حیات مجدد و نجات دعوت می‌کند. با آنکه می‌دانیم همه اسطوره‌ها رسالت را در پایان همین قصه‌های تراژدی‌گونه کسب کرده‌اند، اما در پشت پرده و یا پشت صحنه این تراژدی یک شجاعت و مردانگی قربانی شده است.

اگر خوب بنگریم خواهیم دید حتی یک شبانه‌روز ما می‌تواند مصداق همین تراژدی و یا داستان‌های اسطوره‌ای باشد. ما نیز، همان‌طور که با خیر و شر حیاطمان، چنین حال و روزی داریم که نمایانگر جدال ما با تاریکی است. تاریکی تنها موجودیتی است که سایه ندارد و آیات آن نعمات شیطان است و تاریکی جهل بدتر از همه، جایگاه و پناهگاه شیطان است. "نغمه نور" با صداقت و قدرت تمام از هویت نور دفاع می‌کند و یکی از ویژگی‌های بلند آن اینکه تاریخ معارف ندارد هرچند تاریخی است، اما تاریخ نیست؛ یعنی هرکس در هر لحظه و هر مقام چه در مقام نور و چه در مقام ظلمت نشسته باشد با ورق زدن آن، ایثار نور را می‌بیند و از کاسه‌های لبریز آن مست می‌شود. چرا که بر چنین بینشی نور نمی‌میرد. نور خاموش نمی‌شود حتی تجزیه هم نمی‌گردد، بلکه نور فقط جامه‌اش را عوض می‌کند همچنان که نغمه‌سرای پاک‌سیرت این منظومه شاید همان "رشیدپاشا"

بود که شمشیر عدالتش از آستین ساز همان نغمه سرا بیرون آمد و حرامی حرام‌نگر را مثله کرد و دامن پرورش را در دامنه غاری که دهها سال جولانگاه حرامیان و دزدان بود، گسترانید تا بار دیگر حیات نو بر جان ما ببخشد.

این اثر دلنشین دو صحنه قابل تأمل را به نمایش گذاشته است: صحنه اول دالوگ و گفتمانی است که بین نور و ظلمت ایراد شده است. جالب است که تاریک و ظلمت چند خط بیشتر آن هم از جنس یاوه و دروغ و ریا حرف برای شنیدن ندارد؛ یعنی به اندازه عمرش سخن می‌راند، اما قصه نور جنسی متفاوت و بی‌آرایش دارد. شناسش، خط و خطوطش منشأیی والامقام دارد که چون چشمه جوشان مس به در سرش است و در بستری که جاری است جماد و نبات از آن متنعم‌اند و حتی تاریکی از مدا و خروش آن نمی‌کاهد. عاشق و ساز عاشق چون چشمه‌ای جاری در ظلمت است؛ هر چقدر تاریکی بیشتر می‌شود، صدای جاری بودنش بیشتر به گوش می‌رسد.

و اما صحنه دوم داستان طالع‌بین است که کلیدی به نام "جهل" که گلوگاه عاشق را باز می‌کند و این بار خون جاری از گلوی عاشق معرفت و دانایی و آگاهی تاریخی را در تاریخ به ثبت می‌رساند. فقط یک مهر می‌تواند این بستر را مهر بزند و آن مهر نغمه نور است. نغمه نور هیچ‌گاه سنت تاریخی محافظت شده در موزه‌ها نیست و نخواهد بود. نغمه نور نغمه انسانیت است که همه را به شرط نورانی بودن می‌پذیرد نه به شروط کذایی مدعیان از هر صنف.

استاد

مهدی اکبری

۹۵/۰۶/۰۲

ساعت ۲۰/۲۴